



دولت بایدن حداقلی ترین مطالبات ایران در برجام را به رسمیت نمی شناسد اما دولت و برخی سیاسیون در ایران موضوعی منفعلانه دارند

روی سیگنال توافق بد



باوجود اینکه برخی رسانه‌ها مانند بلومبرگ گمانه‌زنی می کنند که دولت آمریکا درحال بررسی گزینه‌هایی چون حمایت از اعطای وام صندوق بین المللی پول به ایران یا کاهش تحریم‌های دارویی است و تحلیل می کنند که این مسیر می تواند ابزاری برای ایجاد زمینه‌های تعامل فراهم شود، جمع‌بندی اخبار گوناگون و تحلیل‌های مختلف حکایت از واقعیت دیگری دارد.

وقتی که دولت بایدن به پیروزی رسید چند بار هم در مقطعی از ایران نام برده شد و نهایتاً افرادی چون رابرت مالی در دولت او مشغول به کار شدند، برخی گمان کردند کار تمام است و در آینده‌ای نه‌چندان دور معاون دولت اوباما، دستور بازگشت به توافق هسته‌ای ایران را امضا خواهد کرد. حالا اما نه‌تنها در برنامه‌های ۱۰۰ روزه دولت بایدن مساله ایران دیده نمی‌شود که حتی در نشست خبری رئیس جمهور آمریکا و در زمان توضیح ولایت‌های سیاست خارجی این کشور نیز اشاره‌ای به برجام نشده و حرفی از ایران به میان نمی‌آید. این سبک و سیاق در مورد کنش‌های دیگر مقامات کاخ سفید ازجمله وزیر امورخارجه هم کم‌وبیش مصداق دارد و حالا حداقل برای همین افرادی که گفتیم انتظار بازگشت سریع السیر آمریکا به توافق هسته‌ای را می کشیدند، این سوال ایجاد می‌شود که چه شد که این‌طور شد؟

قبل از اینکه به این سوال پاسخ دهیم، باید ببینیم دقیقاً در مورد چه کسانی صحبت می‌کنیم؟ و بعد از آن به توضیحات بیشتر در مورد واقعیت رویدادها بپردازیم.

اگر نگاه دقیق و جامعی نسبت به کسانی که از بازگشت قریب‌الوقوع بایدن به برجام سخن می‌گفتند ببندازیم، خواهیم دید که این افراد حداقل به دسته کاملاً متفاوت قابل تقسیم هستند. اولین دسته افرادی هستند که فاقد دانش و تجربه لازم در زمینه روابط بین الملل هستند، توان تحلیل اندکی دارند و عموماً با ساده‌سازی تلاش می‌کنند برداشتی از موضوعات و تحولات داشته باشند. آنها غالباً نتیجه‌ای که می‌گیرند رویاپردازانه است و فاصله قابل توجهی با واقعیت دارد. اینها در مقاطع گذشته تجربه خود را به خوبی پس داده‌اند و به سادگی قابل تشخیص هستند و پوشاندن حرف‌هایشان با رنگ و لعاب محرماتگی یا داشتن اطلاعات خاص از درون آمریکا هم دردی از آنها دوا نمی‌کند.

گروه دوم اما کسانی هستند که الزاماً فاقد دانش و بینش نیستند و در مقطعی بعضاً برعکس، براساس یک برنامه‌ریزی دقیق موضع گیری کرده و تلاش می‌کنند صحنه‌ای ایجاد کنند که در آن آمریکا در آستانه ورود بی قید و شرط با توافق هسته‌ای نشان داده شود. آنها با این کار می‌خواهند دشمنان ایران را تحریک کرده و لابی‌های مختلف درون آمریکا را فعال سازند تا فشارها به دولت بایدن افزایش یافته و مسیر بازگشت آنها به توافق هسته‌ای بسیار پرجالش شود. این افراد غالباً یا از نیروهای اپوزیسیون ایران هستند یا وابستگان لابی‌های صهیونیستی و عربی که بازگشت آمریکا به توافق هسته‌ای را به ضرر خود می‌دانند و تصور می‌کنند می‌توانند با فشارهای سنگین به دولت بایدن اساساً راهبردهای او را تغییر دهند.

واقعیت چیست؟

صرف‌نظر از اینکه رویاپردازان یا اپوزیسیون ایران با چه هدفی

گفت و گو

فرجی‌راد در گفت و گو با «فرهنگستان»:

مشخص نیست کدام تحریم‌ها لغو شود

عبدالرضا فرجی‌راد، کارشناس مسائل بین‌الملل و سفیر اسبق کشورمان در نورژ در گفت‌وگو با «فرهنگستان» به بررسی مواضع آمریکا پیرامون برجام و عدم اظهارنظر بایدن رئیس جمهور این کشور درباره این موضوع پرداخت و در عین حال تأکیدهای زیاد طرف ایرانی برای پرداختن به موضوع مذاکره و برجام را مورد تحلیل و بررسی قرار داد که مشروح آن در ادامه آمده است.

III

با توجه به اینکه بایدن در سخنان اخیر خود هیچ بحثی از برجام و مذاکره با ایران به میان نیاورد درحالی که مدام در ایران دراین باره شاهد موضع گیری مسئولان هستیم، این عدم توازن چه تبعاتی دارد؟

سه ساله برجام، فلسطین و افغانستان برای آمریکا بسیار مهم است اما درباره علت اینکه بایدن به برجام نپرداخت این است که در داخل آمریکا جمع‌بندی نهایی صورت نگرفته است، ضمن اینکه درباره برجام آمریکا صرفاً تصمیم‌گیرنده نهایی نیست و چندین بار اعلام کرده‌پس از مشورت با متحدان اروپایی نظر نهایی را بیان می‌کند، بنابراین اروپایی‌ها هم اعلام کردند قرار است با آمریکایی‌ها جلسه‌ای به صورت وینا داشته باشند.

قرار است آمریکا فضای نسبتاً باز اقتصادی را برای ایران به‌صورت موقت ایجاد کند

این‌طور که به نظر می‌رسد بعد از سخنرانی بایدن، آمریکایی‌ها جلسه‌داشتند و در این جلسه تصمیم گرفتند

و براساس کدام مسائل و موضوعات طرح بازگشت بایدن به توافق هسته‌ای را قریب‌الوقع می‌دانند، باید به برخی واقعیات این روزهای صحنه سیاست خارجی آمریکا اشاره کرد و جایگاه ایران را در آنجا جست.

جو بایدن درحالی در آمریکا به ریاست‌جمهوری رسیده است که در عرصه داخلی و خارجی اولویت‌های بسیار بزرگ و پرتنشی دارد. در داخل علاوه‌بر نژادپرستی و دوتکه شدن جامعه که حداقل یک‌سوی آن میلیون‌ها نفر از طرفداران تندوتیز ترامپ هستند، کرونا به یک معضل بزرگ و پیچیده تبدیل شده است.

این ویروس عجیب‌وغریب با وجود واکسناسیون گسترده، همچنان می‌تازد، تعداد مبتلایان در آستانه ۳۰ میلیون شدن است و تلفات هم مرز ۵۰۰ هزارنفر را به‌زودی لمس خواهد کرد و طبیعتاً این مساله برای هرکسی که در آمریکا ریاست‌جمهوری را برعهده داشت یک چالش بزرگ به‌شمار می‌آید.

در سیاست خارجی حتی اگر چالش با اروپا را نادیده بگیریم، چین و روسیه دو مزاحم خطرناک برای آمریکا به حساب می‌آیند. کاخ سفید این روزها از یک‌سو الگوی حمایت از آشوب و اغتشاش را دوباره برگزیده و با این حربه مقابل با کرملین را به‌عنوان اصلی‌ترین رقیب سیاسی آغاز کرده است و از سوی دیگر در تلاش است تا با یک جنگ ترکیبی پکن را به‌عنوان اصلی‌ترین رقیب اقتصادی محدود کند. ناوهای جنگی در آب‌های جنوبی چین هستند و نمایندگان اقتصادی آمریکا درحال رابرنی برای متوقف کردن توافقاتی ازجمله توافق تجاری اروپا با غول شرقی. در کنار اینها آنچه به ایران در این قضیه مربوط است ماجرای تأمین نفت پکن از مبدأ ایران است که

دوق‌زدگان تعامل با آمریکا و ماجرای ۱۴۰۰

در این میان اما یک سوال مهم هم مطرح است و آن اینکه چرا با وجود این موضوعات که البته کنار هم قرار دادن‌شان کار سختی هم نیست، برخی تلاش می‌کنند بگویند فرصت تاریخی تعامل با بایدن نباید از دست برود و باید هرچه زودتر از فرصت حضور او در کاخ سفید استفاده کنیم؟

هستند دست بالا را می‌گیرند هرچند وقتی مذاکرات شروع می‌شود این نمی‌تواند مشکل جدی و خاص باشد که چه کسی اول شروع کند؛ همان‌طور که ظرفیت نیز پیشنهاد داده جوزپ بورل، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا به‌عنوان میانجی می‌تواند اقدام کند و هر دو کشور هم‌زمان یک زمانی را برای بازگشت آمریکا اعلام کنند و ایران هم تعهدات خود را کاهش دهد.

هستند دست بالا را می‌گیرند هرچند وقتی مذاکرات شروع می‌شود این نمی‌تواند مشکل جدی و خاص باشد که چه کسی اول شروع کند؛ همان‌طور که ظرفیت نیز پیشنهاد داده جوزپ بورل، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا به‌عنوان میانجی می‌تواند اقدام کند و هر دو کشور هم‌زمان یک زمانی را برای بازگشت آمریکا اعلام کنند و ایران هم تعهدات خود را کاهش دهد.

هستند دست بالا را می‌گیرند هرچند وقتی مذاکرات شروع می‌شود این نمی‌تواند مشکل جدی و خاص باشد که چه کسی اول شروع کند؛ همان‌طور که ظرفیت نیز پیشنهاد داده جوزپ بورل، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا به‌عنوان میانجی می‌تواند اقدام کند و هر دو کشور هم‌زمان یک زمانی را برای بازگشت آمریکا اعلام کنند و ایران هم تعهدات خود را کاهش دهد.

هستند دست بالا را می‌گیرند هرچند وقتی مذاکرات شروع می‌شود این نمی‌تواند مشکل جدی و خاص باشد که چه کسی اول شروع کند؛ همان‌طور که ظرفیت نیز پیشنهاد داده جوزپ بورل، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا به‌عنوان میانجی می‌تواند اقدام کند و هر دو کشور هم‌زمان یک زمانی را برای بازگشت آمریکا اعلام کنند و ایران هم تعهدات خود را کاهش دهد.

بحث دیگر صحبت‌های ظریف است که گفته در داخل اجماع برسر بازگشت آمریکا نیست، به‌نظر شما این گزاره‌ها و تعجیل ممکن است منجر به توافق بد شود؟
این خوب نیست و عدم وجود اجماع در داخل می‌تواند مورد سوءاستفاده طرف بیرونی قرار گیرد و آنها توپ را در زمین ما بین‌اندازند و بگویند چون در داخل اجماع نیست وحدت‌رویه وجود ندارد من نمی‌توانیم تصمیمی بگیریم. بنابراین این موضوع خطر بزرگی برای کشور است که نباید درخ دهد و معیار خود را در تحلیل بر این می‌گذاریم که رهبری اعلام فرمودند اگر تحریم‌ها را می‌توان ظرف یک‌ساعت از بین برد باید اقدام کرد، لذا اگر این معیار ما باشد باید وحدت‌رویه داشته باشیم و تلاش کنیم این مساله طولانی نشود.

باید هرچه سریع‌تر با اروپایی‌ها وارد گفت‌وگو شویم

هرچه این مسیر طولانی شود هم در داخل مشکلاتی ایجاد می‌شود و هم مزاحمان خارجی و لابی‌های منطقه‌ای

جریان‌شناسی کسانی که در داخل کشور ذوق تعامل مجدد با آمریکا را دارند به خوبی نشان می‌دهد که قاطبه آنها اصلاح‌طلبانی هستند که عمدتاً تمرکز قایت با رقیب سیاسی خود در داخل را موضوعات سیاسی قرار داده و امید دارند که با اتفاقاتی مانند کاهش نرخ دلار به واسطه آزادسازی منابع ایران در کره، ابزاری برای موفقیت و پیروزی در انتخابات ۱۴۰۰ کسب کنند. این همان مسیری است که آنها قبلاً به‌گونه‌ای دیگر تست کرده و توانسته‌اند به وسیله آن در انتخابات به پیروزی برسند.

نکته مهمی که درخصوص این ماجرا باید به آن اشاره کرد این است که تلاش‌های این دست از فعالان سیاسی تبعات بسیار سنگینی برای کشور به دنبال دارد و موفقیت‌شان مساوی ذبح منافع ملی خواهد بود. نشان دادن ذوق‌زدگی از حضور بایدن در کاخ سفید و واکنش به هر نشست و برخاستی که در رابطه

با برجام در آمریکا انجام می‌شود به خوبی گویای ذوق‌زدگی مفرط و هول شدن حامیان دولت است و قاعدتاً اگر پرچم نشود می‌تواند دستگاه دیپلماسی را به سمت یک توافق بد هدایت کند. البته توافق بد که بعضاً در دیدگاه سیاسی دولت و حامیان‌ش معنا و مفهوم خاصی هم ندارد یک چیز پیچیده و عجیب‌وغریب نیست، همین که مطرح شود هر توافقی بهتر از عدم توافق است، کافی است تا بدون طی شدن ضروریاتی ازجمله رفع همه تحریم‌های وضع‌شده از سوی ترامپ در مسیر فشار حداکثری ایران تن به محدودیت‌های مجدد برجام دهد. محمدجواد ظریف اخیراً و در یک گفت‌وگو متذکر شده که هنوز «برای مذاکره با آمریکا در کشور اجماع نداریم.» این حرف وی



می‌توانند بیشتر روی نمایندگان کنگره در آمریکا اثر بگذارند و کار بایدن و تیم او را سخت کنند؛ لذا به‌نظر من مهم این است که ما با یک وحدت‌رویه هرچه سریع‌تر تر با اروپایی‌ها وارد گفت‌وگو شویم. وقتی به اروپا اعلام می‌کنیم که شما واسطه شوید و هر روز که می‌گذرد نیز دیدگاه‌های آنها عمدتاً مثبت است و پیش شرطی قرار نداده‌اند، سوال ایجاد می‌شود که چرا با آنها تاکنون تماسی نداشته‌ایم و گفت‌وگو نکرده‌ایم، درحالی که آنها اکنون نقش مهمی دارند؛ چرا که هرگاه یکی از آمریکایی‌ها مصاحبه می‌کند حتی بایدن می‌گوید ما باید با متحدان اروپایی خود صحبت کنیم یا درحال مشورت هستیم، لذا نقش اروپا خیلی مهم است.

با توجه به توضیحاتی که بیان کردید این موضوع وحدت‌رویه ما می‌تواند بر سر لغو همه تحریم‌ها قبل از بازگشت آمریک‌ا به برجام باشد و این را نقطه اجماع داخلی بدانیم؟

هرچند دو پهلواست اما می‌تواند دربردارنده یک نکته مهم هم باشد؛ اینکه اگر بخواهیم به سمت یک توافق خوب که منجر به تأمین منافع ملی شود حرکت کنیم، باید اجماع قابل توجهی داشته باشیم.

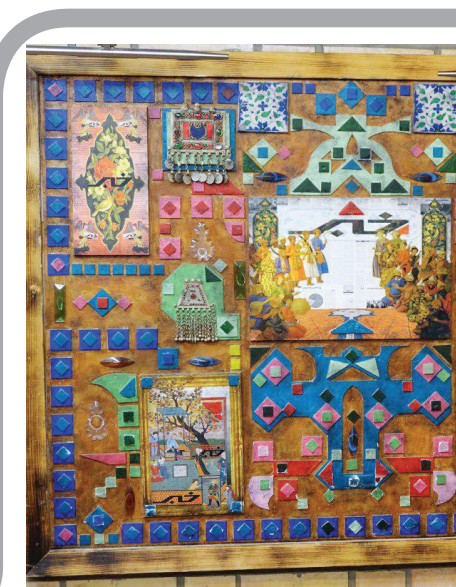
اجماع داخلی چگونه حاصل می‌شود؟

اجماع داخلی مطرح در سخنان ظریف می‌تواند یک نقطه‌ضعف بزرگ داشته باشد و آن هم برخورد سیاسی با مساله مذاکره است، چیزی که خود محمدجواد ظریف هم به آن اشاره دارد و می‌گوید این موضوعات را نباید انتخاباتی کرد. هرچند شاید نگاه وزیر امورخارجه مورد قبول حامیان خود نبوده باشد اما واقعیت ماجرا این است که بیش از هر فرد دیگری در این زمینه باید به حامیان دولت و شخص محمدجواد ظریف در این موضوع تذکر داد و گفت که پیگیری منافع حزبی برای انتخابات آتی در سیاست خارجی ذبح منافع ملی را به دنبال دارد و عامل اصلی برای شکل نگرفتن همان اجماع داخلی است که ظریف از آن نام می‌برد.

از این‌رو باید توجه داشت که در فرآیند دیپلماسی پیش‌رو در مورد برجام در وهله اول باید این نگاه‌های حزبی را کنار گذاشت و پس از آن به چند باید مهم توجه کرد. اول اینکه آنچه خواست مردم ایران است در مذاکرات محقق شود، به این معنا که رفع همه تحریم‌های اعمال شده در فرآیند فشار حداکثری رفع شوند. این تحریم‌ها البته خود دو بخش دارند، یکی تحریم‌هایی هستند که در برجام حداقل روی کاغذ تعلیق شده بودند و گروه دوم تحریم‌های بی‌ارتباط با برجام هستند که اضافه شده و بسیار هم سفت و سخت‌تر هستند. مانند تحریم کاتسا که

تنگ تحریمی بسیاری از افرادها و نهادهای ایرانی ازجمله بانک مرکزی را به تگ ترورستی تبدیل کرده است. مساله بعدی هم در این زمینه این است که ایران آبنبات چوبی نگیرد و به قول علی لاریجانی در غلتان بدهد. صرفاً آزاد کردن پول‌های بلوکه‌شده ایران در برخی از کشورها همچون کره، در اختیار قرار دادن ۵ و ۱۰ میلیارد دلاری صندوق بین‌المللی پول و ازجمله اینها هیچ کدام مصداقی از اجرای رفع تحریم نیست و دقیقاً یک دخلخوشی است برای امتیاز ندادن به ایران. در این خصوص البته نکات مهم دیگری هم هست که بیان آنها در این مجال نمی‌گنجد.

نکته پایانی این است که راه موفقیت و رسیدن به یک نقطه مطلوب برای امتیازگیری، تداوم ایستادگی بر موضوع قدرت و افزایش توان داخلی است، یک بعد این ماجرا ادامه مسیر هسته‌ای است. آنچه مجلس ترسیم کرده و باید بسیار زودتر به نتیجه می‌رسید. در کنار این مسیر اما یک راه مهم‌تر هم هست، اینکه ایران تا پیش از موعد مذاکره یا هر برنامه دیگر، نشان دهد که از توان اقتصادی کافی برای بهبود شرایط زندگی مردم و البته مقابله با کرونا برخوردار است. ساخت واکسن کرونا در این مسیر ابزار بسیار قابل توجهی است و البته واردات آن هم نشان داد که ارتباطات ایران با کشورهای دیگر به خوبی کار می‌کند. در این ماه‌ها ایران باید تمام تلاش خود را برای باز بودن کانال‌های تجاری به کار بگیرد و آلمان‌های اقتصاد خرد و کلان را بهبود ببخشد، راهی که هرچند قدری سخت به نظر می‌رسد اما حتماً شدنی است. تجربه‌ماه‌های آخر دولت ترامپ و افزایش فروش نفت ایران مصداقی از این ماجراست.



واقعیت این است تحریم‌هایی که ترامپ در قالب‌های مختلف انجام داده است؛ تحریم‌های اولیه و ثانویه، زیر چتر حقوق بشر و تروریسم و مشخص نیست بایدن چقدر از آنها را می‌تواند به یک‌باره بردارد، اما می‌دانم تعداد قابل توجهی از آنها را می‌تواند با یک دستور بردارد. این‌طور عنوان نکنیم که او با یک دستور صددرصد تحریم‌ها را می‌تواند بردارد اما هرچه وحدت‌رویه داشته باشیم و قدری انعطاف باشد و بدانیم زمان خیلی مهم است، پیشرفت خوبی است. هرچه این مسیر بیشتر طول بکشد و به سال بعد منتهی شود، ممکن است غرب بگوید مدت‌زمان برجام هم ۲-۳ سال بیشتر نمانده و ما هم علاقه‌مند هستیم برجام‌پلاس ایجاد شود و مسائل موشکی و منطقه‌ای هم در این دخیل شود. بنابراین نباید زمان را از دست بدهیم و بهتر است هم آمریکا و هم ایران به دوره قبل از ترامپ برگردند و جوزپ بورل، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا که فرد نسبتاً منصفی است، وارد این قضیه شود و کار را تمام کند.